

از غربت، با عشق

مجموعه نامه‌های هانیبال الخاص به
محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد)

به ۵ مرز قد هنامه هانیبال الخاص
ویک گفت‌وگو من منتشر نشده

با مقدمه و کوشش:

محمد مفتاحی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

سرشناسه	مفتاحی، محمد، ۱۳۰۶ -
عنوان و نام پدیدآور	از غربت، با غسق: مجموعه نامه‌های هانیبال الخاص به محمود مشرف آزاد تهرانی. م. آزاد / با مقدمه و کوشش محمد مفتاحی
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۳۹ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۳۹۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	الخاص، هانی بال، ۱۳۰۹-۱۳۸۹. -- نامه‌ها
موضوع	نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian letters - 20th century
موضوع	نقاشان ایرانی -- قرن ۱۴ -- نامه‌ها
موضوع	Painters -- Iran -- 20th century -- Correspondence
رده بندی کنگره	۷۱۳۱۳۹۷ الف / ۹۸۹ PN
رده بندی دیویی	۶۲ / ۶ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۱۳۰۳۰

از غربت، با عشق

کوری: محمد مفتاحی

برای: د نرانتشارات نگاه
صرح: بلد: (شید: القی

چاپ اول: فروردین ۱۳۹۸ - شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ: نقطه

شابک: ۹۷۸-۶۰-۳۷۶-۳۹۸-۲

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

www.negahpub.com ● negahpub ● newsnegahpub

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۷.....	درباره‌ی م. آزاد
۱۹.....	درباره‌ی هانیبال الخاضع
۲۳.....	متن نامه‌ها
۱۱۱.....	مانیفست هانیبال الخاضع
۱۲۳.....	گفت‌وگوی منتشر نشده با هانیبال الخاضع
۱۳۱.....	نمونه‌ی دست‌خط هانیبال الخاضع

مقدمه

نامه نگاری روم خوشایندی است و سنت مقدسی را در پیشینه‌ی خود دارد. پیش از اختراع وسایل ارتباط جمعی، نامه نگاری یک ضرورت به شمار می‌رفت. از نامه‌ها به‌اندازه‌ی کشورها تا شخصیت‌های مهم مذهبی، ادبی و هنری روم عادی، تمایک راه برای ارتباط محرمانه در اختیار داشتند و آن نامه نگاری بود. این شیوه قرن‌های متمادی ادامه یافت، تا دنیای مدرن امروزی، شکل جوامع ادگرگون کرد. جوامع بازپدید آمدند و عصر حاضر به «عصر ارتباطات» مشهور شد. پیش از تمدن مدرن امروزی، نامه‌ها را کبوتران نامه‌بر، پیک‌ها و قاصدان جابه‌ساز کردند. تا این‌که با گسترش خطوط تلفن و از آن پس تلفن‌های همراه و اینترنت، کمک رایانه، این امکان فراهم آمد، که فاصله‌ی انسان‌ها با هم نوعان خود را به کم‌ترین حد ممکن برسد. علی‌رغم دوری مسیرها و فاصله‌های دیر و دور، امکان ارتباط نزدیک و لحظه‌ای برقرار شد. از سوی دیگر، اختراع وسایل نقلیه‌ی فردی و عمومی، که مسافت بین شهرها و کشورها را در زمانی کوتاه می‌پیمایند، جای نامه نگاری را پر کرد؛ اما با وجود همه‌ی امکاناتی که بر شمرديم، نامه نگاری هنوز هم بین اقوام مختلف به صورت مکتوب کاغذی وجود دارد. ضمن این‌که

ارتباطات شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرویس‌های پیام کوتاه را هم می‌توان ادامه‌ی منطقی این رسم خوشایند دانست.

در دنیای معاصر، نامه‌نگاری دیگر یک ضرورت نیست، عشق است. بازگوکننده‌ی حالت‌های درونی، در هاله‌ای از جادوی کلمات، و همراه با رویه‌ی ادبی-هنری است. غیر از نامه‌های سرگشاده که مخاطب خاص ندارند و برای یک گروه از جامعه و حتی برای همه‌ی مردم جهان نوشته می‌شوند. اغلب نامه‌ها مخاطب مشخصی دارند و همین امر به محتوای آن‌ها - به‌اء، خصوصی و محرمانه می‌دهد. وجود ادارات ترسل و نامه‌نگاری، در رقب پادشاهان و مهر و موم کردن نامه‌ها، اهمیت این رازگونگی را ثابت می‌کند. در نامه‌های شخصی هم، آن چه شرم حضور، از بیان‌شان پیش‌گیری می‌کند. و را حتی روی کاغذ می‌لغزند. و ای بسا مسائلی مطرح می‌شوند که از ناشر آگاه ذهن‌نگارنده بیرون می‌تراوند و ارزش بررسی‌های روان‌شناختی را می‌یابند.

آن چه می‌خوانید نامه‌های نقاش مشیر المعاصر، هانیبال الخاص، به شاعر نام آشنا، م. آزاد (محمود مشرف آزاد تهرانی) است. از شواهد امر چنین بر می‌آید که نامه‌نگاری بین این دو چهره‌ی شناخته‌شده‌ی هنر و ادب معاصر، حدود یک دهه ادامه داشته است؛ اما با تأمل در آن چه در اختیار ماست، بیش‌تر مربوط به سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ است. البته لازم به ذکر است که از سال ۱۹۶۷ نیز تک و توک نامه‌هایی وجود دارد.

درباره‌ی اهمیت این نامه‌ها و علت انتشار آن‌ها، باید به چند نکته اشاره کنیم: نخست این که در این نامه‌ها، عمق ارتباط بین این دو چهره‌ی مهم ادب و هنر سرزمین‌مان روشن می‌شود. رابطه‌ای که بی‌شبهت به رابطه شمس و مولانا نیست. در اغلب این نامه‌ها، شیفتگی هانیبال الخاص به

م. آزاد به روشنی دیده می شود. حتی گاهی خود الخاص به رابطه‌ی شمس و مولانا اشاره می کند: «... من هر چه به گذشته بیش تر فکر می کنم و به خصوص آن زمان کوتاه، که عمری بود و زندگی و به قول تو آن راه رفتن ها در حاشیه های آن سرزمین، محبت ام به تو بیش تر می شود. البته سخت است، ابراز این نوع حرف ها که به معاشقه می ماند؛ ولی این حرف ها حتی ماری و شمس بازی نیست. دوستی خالص و الخاص است و من هر چه فکر می کنم که زندگی جز لذت این همدی ها و هم نفسی ها نیست و مرگ جز غم از دست دادن آنان. و هر وقت این حرف ها را گفتم، خجالتی بود و فلسفه باری برای من آن خجالت و بله و نه خیر (۱)»

الخاص در مواضع بسیاری، سواد و دانش خود را در مقابل م. آزاد ناقص می داند: «واضح و روشن علی بن ابراهیم که این آسوری، به فرض آن که از نوابغ باشد، سوادش نصف باشد. اما توها، بود...» یا جای دیگر می گوید: «موضوع این نیست که تو خوبی» بنویسی و ما از تو. ولی هر چه بیش تر می شناسم ات، ارادت من بیش تر می شود. به آن همه احساس و درک و توضیح و آشنایی. تو می گویی من حیف که دانش را نمی شناسم. نقاشی چیست که تو شناسی. به خدا شناسایی و ناشناسی نیست. درک است همه؛ ولی به شرط آن که درک همه باشد، نه تنها درک این، آن. درک همه چیز و تو همه را درک می کنی و آن وقت می رسی به سؤال ها، جواب...» یا جای دیگر می نویسد: «از این حرف ها که می زنم، از خودم بزم می آید. من کجا و انتقاد شعر کجا؟ تویی که باید بگویی چه طور پسندیدی و من بشنوم...» و جایی هم از همه ی این ها فراتر می رود و فقط م. آزاد را شاعر می داند: «راست اش را بخواهی آزادا شعر اغلب این فضلا شعر نیست. در حین ترجمه، خوب می شود پی برد به مایه و اصالت همه. ولی بدبختی این است

که می‌خواهی مجموعه‌ی شعرای معاصری ترجمه کنی و چاپ کنی. به جان تو شعر شاملو هم گاهی چنگی به دل نمی‌زند. این‌ها گاهی شاعرند و گاهی داد و فریاد و تاپ و توپ. نمی‌خواهم عاشقانه و سانتی مال بگویم. فقط داداشی! شاعر تویی. می‌بینی در یک نامه‌ی لعنتی نمی‌شود حرف زد. هیچ چی نمی‌شود گفت.»

این نامه‌ها هم چنین در برگیرنده برنامه‌های هانیبال الخاص است. از جمله: نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی، تدریس او در دانش‌گاه، سفرهای کاری اش، معرفی آثارش و مذاکره با گالری‌داران، ترجمه‌ی شعر شاعران معاصر به زبان انگلیسی و ... و هم چنین برنامه‌های م. آزاد از جمله: چاپ مجموعه شعرهایش، ترجمه‌هایش از آثار شاعران و نویسندگان دیگر کشورها و مهم‌تر از همه فعالیت‌های ژورنالیستی اش، در مجله آرش و ...

مهم‌ترین بخش این اطلاعات مربوط می‌شود به ترجمه‌ی هانیبال الخاص از آثار شاعران معاصر ایران به انگلیسی. این ترجمه‌ها از اشعار «م. آزاد»، «فروغ فرخ‌زاد»، «احمد شاملو»، «به‌دی اخوان ثالث» و «نیمایوشیج» انجام شده و الخاص آن‌ها را با هم‌دل و همراهی یک شاعر امریکایی با نام «برایان برگلاند» ترجمه کرده است. اخوان و برنامه‌هایش از «م. آزاد» و گاهی از «جلال آل احمد» خواسته است که نتایج کارش (مجموعه اشعار این شاعران) را برایش ارسال کنند و به ویرایش م. آزاد درخواست کرده است که شعرهای مهم و موثر این شاعران را برایش برگزیند. پس از ترجمه هم درباره‌ی کیفیت ترجمه‌ی شعرها، با او مشورت نموده و ویرایش کار را به «م. آزاد» سپرده است. آن چنان که از این نامه‌ها بر می‌آید، کار ترجمه‌ی شعر شاعران نامبرده، برای الخاص فراتر از یک کار حرفه‌ای، که کاری دلی و احساسی بوده است و دغدغه‌ی مهم روزهای تنهایی اش.

او در نامه‌هایش م. آزاد را به چاپ مجموعه شعرهایش ترغیب می‌کند. به او انگیزه می‌دهد و هم‌چنین تمام تلاش خود را برای کشاندن او به نزد خود به کار می‌گیرد.

در این نامه‌ها حالت‌های درونی این دو هنرمند در یأس و امیدواری و خشم و محبت به خوبی تصویر شده است. و می‌توان گفت این نامه‌ها کالبدی دهن حساس آن‌هاست. یک نوع تخلیه‌گاه و محل فزافکنی‌های روانی برای هر دوی آن‌ها. بیان دغدغه‌های ادبی-هنری و پشت صحنه‌ی شکن‌گین آثار آن‌هاست. بنابراین به نوعی، تاریخ نگاری ادبی-هنری هم به شمار می‌رود.

در بخش نقد و انتقاد هم این نامه‌ها بیان‌کننده‌ی نظرات این دو شخصیت مهم، در نیال‌آثار ادبی و هنری معاصر است. هم‌چنین افشاکننده‌ی مسایل جامعه هنری است و از اتفاقات این عرصه پرده بر می‌دارد.

باید به یاد داشت که این مجموعه، تمام نامه‌های رد و بدل شده بین این دو نیست و از جهتی دیگر، نامه‌های م. آزاد به هانیبال الخاص هم، متأسفانه، در اختیار ما قرار ندارد؛ اما به جهت اهمیت موقعیت این دو؛ یعنی شکوفایی هانیبال الخاص در امریکا و ثبت شدن او در ذهن گالری‌های مختلف امریکایی و اروپایی و از سوی دیگر، م. زری بی‌حساب مجموعه شعرهای دوم و سوم «م. آزاد» و آغاز دوره‌ی تازه‌ای از شعر او با این نامه‌ها، انتشار این نامه‌ها واجب به نظر می‌رسد. جدا از زیبایی‌های ادبی و احساسی که در این نامه‌ها موجود است، علاقه‌مندان شعر و هنر می‌توانند از جنبه‌های مختلف به آن‌ها پرداخته و حقایق موجود را بیرون بکشند.

محرمانه بودن محتوای این نامه‌ها بدیهی است؛ لذا بر خود واجب

می‌دانم که از روح بزرگوار م. آزاد و هانیبال الخصاص، که هم‌واره شخصیت‌های محبوب زندگی‌ام بوده‌اند و خواهند بود، به جهت افشای بخشی از رابطه‌ی خصوصی‌شان پوزش بخواهم و اعلام کنم که این نامه‌ها از تشخص سبک ادبی-هنری آن دو بزرگوار است که اهمیتی غیر قابل وصف یافته‌اند. خواندن این نامه‌ها و آگاهی از محتوای آن‌ها، ذهن پژوهش‌گران و دوست‌داران ایشان را از مراحل تولید آثارشان و انگیزه و دغدغه‌های آنان آگاه می‌کند.

ذکر این نکته ضروری است که در توضیح نکاتی درباره‌ی مکان‌ها و اشخاص و اعلام به بابت، کی‌پدیا، استناد شده است و سپس اطلاعات این سایت را با منابع دیگر تطبیق داده‌ام.

برای یک دست و خزانتریدن نامه‌ها، مجبور شده‌ام که از علایم ویرایشی استفاده کنم که در متن نبردا. اما در نحو کلام، هیچ‌گونه دخل و تصرف و ویرایشی صورت نداده‌ام و به متن کاتبان وفادار بوده‌ام. آن‌جا که به سبب قدیمی بودن نامه‌ها و ناخوانا بودن آن‌ها، خواندن واژه‌ها و عبارت‌ها ممکن نبوده از (...) بهره‌برده‌ام و اگر نیاز به توضیحی، داخل متن بوده است پس از توضیح داخل پرانتز، حرف (م) را به نشانی تأیید مؤلف این کتاب قرار داده‌ام. با این امید که خوانندگان از این نامه‌ها بهره‌وری کافی ببرند و فضای ذهن و زندگی هانیبال الخصاص و م. آزاد را درک نمایند.

و سخن آخر این که از خانواده‌ی محترم م. آزاد «پروین کلانتری» مهربان و «کیوان آزاد» عزیزم، به جهت سپردن نامه‌ها به این جانب، سپاس‌گزارم و هم‌چنین بر خود واجب می‌دانم از هم‌کاری صمیمانه‌ی استاد فرید مرادی، که ورود خود را به عرصه‌ی رسمی ادبیات مدیون ایشان می‌دانم، سپاس ویژه داشته باشم. از استاد گرانمایه‌ام، آلبرت کوچویی عزیز، که خود از شاگردان

م. آزاد و با ایشان مأنوس بوده‌اند، به سبب لطف بی‌پایان و حمایت‌های بی‌دریغ‌شان نهایت سپاس‌گزاری را دارم. از یار غار و هم‌دل همیشگی‌ام، صدای ماندگار نسل من، علی مؤمنیان قدردانی می‌کنم.

از نویسنده‌ی رمان‌های متفاوت، مجتبا هوشیار محبوب، که در خبرگزاری هنرآن لاین از این جانب، برای خبررسانی انتشار کتاب، حمایت و برتری نمودند، نهایت قدردانی را دارم.

از دوست مهربانم، حسن دلاور به خاطر هم‌دلی‌ها و یاری‌های لحظه‌به‌لحظه‌اش و هم‌نای دوست‌داشتنی‌ام اصغر خواجه حسینی، به سبب تطبیق شعرها و متن‌های انگلیسی نهایت قدردانی را دارم. از دخترانم ندا و مریم رضا حسینی و داسک هندو و مهربانم میثم رحمانی فهیم سپاس‌گزارم.

و طبق معمول از هم‌حرم، بهرا طهماسبی نمینی، که در ترجمه‌ی بخش‌های انگلیسی این رمان و ویرایش کتاب، نهایت هم‌کاری را با من داشت و هم‌واره، هم‌دل و مشوق من بود، بی‌نهایت سپاس‌گزارم.

محمد مفتاحی

اسفند ۱۳۹۵